

اثر بخشی آموزش مهارت حل مساله برهوش اخلاقی و ادراک خویشتن

سریه عزیزی^{۱*}، پری ناز بنیسی^۲، حمیدرضا وطن خواه^۳

۱) دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی تهران غرب، تهران، ایران

۲) استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران

۳) استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، ایران، تهران

*نویسنده مسؤل: elahearyan1351@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۵/۶/۲۳ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۵/۹/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله ۹۵/۱۱/۲۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر، اثربخشی آموزش مهارت حل مساله برهوش اخلاقی و ادراک خویشتن بود. در این پژوهش شبه تجربی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل، جامعه آماری پژوهش شامل ۱۶۰ دانش آموزان مدارس دخترانه مقطع دوم متوسطه (۱۶-۱۴ساله) شهر کهریزک در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ که در مدارس مشغول به تحصیل هستند می باشد و از روش نمونه گیری تصادفی ساده و گروه نمونه شامل ۵۶ دانش آموز دختر مقطع متوسطه دوم در شهر کهریزک است و حجم نمونه بر اساس ماهیت پژوهش ۵۶ نفر که ۲۸ نفر گروه آزمایش و ۲۸ نفر گروه کنترل می باشد و جهت جمع آوری اطلاعات و دستیابی به نتایج مورد نظر اطلاعات از طریق برنامه مداخله ای- آموزشی مهارت حل مساله که توسط شور (۲۰۰۰) تهیه گردیده و پرسشنامه هوش اخلاقی لینک و کیل (۲۰۰۵) و پرسشنامه تصور از خود بک (۱۹۷۸) استفاده شد و نتایج مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. یافته ها از طریق تحلیل کوواریانس تک متغیره انجام شد که بدین منظور فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه مثبت بین مهارت حل مساله با هوش اخلاقی و ادراک خویشتن وجود دارد. در مجموع می توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت حل مساله برهوش اخلاقی و ادراک خویشتن تاثیر دارد. نتایج نشان داد که آموزش مهارت حل مساله، ادراک خویشتن، هوش اخلاقی.

مقدمه

ساز گوشه گیر شوند. فرایندی که می تواند بروز رفتارهای سازش نیافته را برای فرد در پی داشته باشد (فالر و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

از این رو به نظر می رسد توانایی حل مساله از جمله اساسی ترین مهارتها در رویارویی با این گونه مشکلات است. مهارت حل مساله یکی از کنش های عالی ذهن و از جمله مولفه های مهارت خودگردانی است که در آن فرد باید با برقراری روابط بین تجربه های گذشته و مساله، روابط بین آنها را کشف و با توجه به آن، راه حل مناسب را اتخاذ کند. به عبارت دیگر حل مساله عمل تصمیم گیری است که شامل شناخت و شناسایی وضعیتی است که در

مواجهه با مشکل در زندگی روزمره امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است و افراد در سراسر زندگی خود با مسائل و مشکلات مختلفی روبرو می شوند. از این رو توانایی افراد در مواجهه با این گونه موقعیت ها به شیوه صحیح و کارآمد از اهمیت بالایی برخوردار است (پوگلیس و وایت^۱، ۲۰۱۳). پژوهشها نشان داده اند افرادی که از مهارت های حل مساله پایینی برخوردارند با مشکلات با شکست مواجه شده و به محض رویارویی با موانع، ممکن است با بروز رفتارهای برانگیخته نسبت به آن واکنش نشان دهند و احساس ناکامی کنند و یا برای پرهیز از موقعیت مشکل

در واقع یکی از اهداف آموزش مهارت حل مساله، کسب مهارت‌های مرتبط با رشد اخلاقی و ادراک خویشتن و ارتقای سطح سلامت و بهداشت روانی است و آموزش مهارت حل مساله به عنوان وسیله مفیدی برای مقابله با بسیاری از مشکلات موقعیتی و در نتیجه حفظ و ارتقاء بهداشت روان، سلامت اخلاقی و خودپنداره می باشد. از سوی دیگر خودپنداره که دید جامع فرد درباره خودش است و اگر ما بتوانیم دانش آموزان را در موقعیتی قرار دهیم که کاملاً در توصیف خویش آزاد، باز و دقیق باشد خودپنداره او را بدست آورده ایم و با افزایش مهارت حل مساله، فرد خودپنداره مثبت و انگیزه بیشتری پیدا می کند. در واقع فردی که از سلامت اخلاقی، درک خویشتن و خود پنداره مثبتی برخوردار باشد نقاط قوت و ضعف خود را می شناسد و می داند که در برابر مسائل و مشکلات چه راه حلی را اتخاذ کند (گلاگو و همکاران، ۲۰۰۹، ۷).

روش

این پژوهش شبه تجربی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل می باشد. جامعه آماری شامل ۱۶۰ دانش آموزان مدارس دخترانه مقطع دوم متوسطه (۱۶-۱۴ساله) شهر کهریزک در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ که در مدارس مشغول به تحصیل هستند می باشد که از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شد و گروه نمونه شامل ۵۶ دانش آموز که به ۲۸ نفر گروه آزمایش و ۲۸ نفر گروه کنترل تقسیم شد. روش اجرا به این صورت بود که ابتدا از دانشگاه معرفی نامه ای مبنی بر انجام پژوهش مربوط برای سازمان آموزش و پرورش شهر کهریزک دریافت گردید و با مراجعه به سازمان آموزش و پرورش شهر کهریزک برای ورود به مدارس دخترانه مقطع دوم متوسطه معرفی نامه اخذ شد و پس از ورود به مدرسه و برگزاری جلسات توجیهی با مسئولین مدرسه و همچنین جلب

آن تصمیم گیری، جمع آوری اطلاعات، بررسی و تجزیه و تحلیل و ارزیابی وضعیت موجود انجام می شود و پیامدهای رفتار در آن وضعیت و گرفتن بازخورد از محیط اجتماعی توسط فرد ارزیابی می شود و در نتیجه شخص با جایگزین کردن تصمیم هایی که می تواند نتایج مثبت موثرتری را برای زندگی وی در پی داشته باشد اقدام به اتخاذ تصمیمی مناسبتر می کند (شومن و همکاران، ۲۰۱۳، ۱).

در واقع این مهارت به افراد کمک می کند به طور موثر به مدیریت احساسات خود پردازند و توانایی تشخیص مفاهیم اخلاقی و هم چنین در مواجهه با مشکلات و چالش ها و مسائل زندگی بهترین تصمیم را بگیرند (ویزبرگ، ۲۰۰۹، ۲). هم چنین این مهارت باعث می شود که افراد سطوح بالای حرمت خود را کسب کنند (اروسکان، ۲۰۱۳، ۳).

در واقع در آموزش مهارت حل مساله، افراد می آموزند که چگونه با مشکلات فعلی که آنها را احاطه کرده است مقابله کنند. آنها می توانند با ارائه راه حل های جانشین برای مشکلاتشان از روش حل مساله بهره مند شوند (ماسن^۴ و همکاران، ۱۹۸۲، ترجمه یاسایی، ۱۳۹۱). بطور کلی مهارت حل مساله به فرایند شناختی- رفتاری اطلاق می شود که بوسیله آن فرد می خواهد راهبردهای موثر و مفیدی برای مشکلات روزمره تعیین، کشف و یا ابداع کند. بعبارت دیگر آموزش مهارت حل مساله یک راهبرد مقابله ای مهمی است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی و اخلاقی و ادراک خویشتن یا خودپنداره را افزایش و تنیدگی روانی را کاهش می دهد. مهارت حل مساله ارائه منظم آموزش مهارت‌های شناختی و رفتاری است که به فرد کمک می کند تا موثرترین راه حل را شناسایی و به طریقی موثر با مشکلات برخورد کند (کوت^۵ و همکاران، ۲۰۱۰، ۶).

5.kote
6. Cote,D. et al
7. Glago,K.D.et al

1. Schuman,S
2. Weissberg.P.R
3. Erozkkan,A
4. masen

مؤلفه مسئولیت پذیری برای تصمیمات شخصی (سوالات ۵ و ۱۵ و ۲۵ و ۳۵) ۰/۷۳ و مؤلفه اقرار به اشتباهات و شکست ها (سوالات ۶ و ۱۶ و ۲۶ و ۳۶) ۰/۷۵ و مؤلفه قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران (سوالات ۷ و ۱۷ و ۲۷ و ۳۷) ۰/۷۴ و اهمیت دادن به دیگران (سوالات ۸ و ۱۸ و ۲۸ و ۳۸) ۰/۹۱ و مؤلفه توانایی در بخشش اشتباهات خود (سوالات ۹ و ۱۹ و ۲۹ و ۳۹) ۰/۶۶ و مؤلفه توانایی در بخشش اشتباهات دیگران (سوالات ۱۰ و ۲۰ و ۳۰ و ۴۰) ۰/۷۴ بوده است. نمره گذاری پرسشنامه هوش اخلاقی بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه ای است که به هرگز نمره ۱- به ندرت نمره ۲ وتعلق می گیرد. پس از نمره گذاری، جمع کل را بر عدد ۲ تقسیم می کنیم. نمره زیر مقیاسهای هوش اخلاقی نیز به همین صورت محاسبه می شود یعنی جمع نمره سوالات هر زیر مقیاس تقسیم بر ۲ خواهد شد. پرسشنامه تصور از خود (ادراک خویشتن): تصور از خود همان ادراک از خویشتن است. به عبارت دیگر تصور از خود یک نقطه نظر عینی از مهارت ها، خصوصیات و توانایی هایی است که فرد از خود دارد. در واقع پرسشنامه تصور از خود بک که توسط بک و استیر (۱۹۷۸) بر اساس نظریه شناختی بک ساخته شد که دارای ۲۵ ماده است. بر اساس تحقیقات بک و همکاران (۱۹۹۲) پرسشنامه تصور از خود بک (BSCT) پنج جنبه را مورد بررسی و اندازه گیری قرار می دهد که عبارتند از: توانایی ذهنی، کارآمدی شغلی، جذابیت جسمانی، مهارت های اجتماعی و عیب ها و حسن ها.

بک و همکاران (۱۹۸۵) ضریب اعتبار ۰/۸۸ و ۰/۶۵ را با استفاده از روش آزمون مجدد پس از یک هفته و سه ماه فاصله ی زمانی گزارش نمودند. در ایران، محمدی (۱۳۷۲) اعتبار پرسشنامه ی تصور از خود بک (BSCT) را با استفاده از روش دو نیمه کردن و آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۶۵ و ۰/۶۸ گزارش کرده است. همچنین دیباج نیا (۱۳۸۳) آلفای کرونباخ ۰/۷۹ را برای پرسشنامه به دست آورده است.

همکاری والدین و معلمین، از آنها رضایت مبنی بر شرکت این دانش آموزان در پژوهش اخذ و دانش آموزان به شیوه در دسترس انتخاب شده و به تصادف به ۲ گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند و تعداد ۵۶ دانش آموز دختر، به طور تصادفی در دو گروه (۲۸ نفر گروه آزمایش و ۲۸ نفر گروه کنترل) وارد مطالعه شدند و دانش آموزان پرسشنامه ادراک خویشتن را پر کردند و بعد گروه آزمایش طی ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه ای در برنامه مداخله آموزش مهارت حل مساله تحت آموزش قرار گرفتند و پس از اتمام جلسات، پرسش نامه ادراک خویشتن توسط دانش آموزان تکمیل شد و بعد از جمع آوری پرسشنامه ها به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته شد.

در پژوهش حاضر از برنامه مداخله ای- آموزشی مهارت حل مساله که توسط شور (۲۰۰۰) پرسشنامه هوش اخلاقی لینک وکیل (۲۰۰۵) و پرسشنامه تصور از خود بک (۱۹۷۸) استفاده شد. این برنامه توسط شور (۲۰۰۰) تهیه و در ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه ای به شرکت کنندگان آموزش داده شد که محتوای جلسات به قرار زیر است: معارفه و آشنایی با شرکت کنندگان- مرحله جهت گیری مساله- تعریف و تشخیص دقیق مساله- درک راه حل های احتمالی- کشف راه حل های احتمالی- عمل کردن بر روی راه حل های کشف شده- نگاه به عقب در ارزشیابی نتایج فعالیت ها و مرور مراحل قبلی.

پرسشنامه هوش اخلاقی: این پرسشنامه توسط لینک و کیل (۲۰۰۵) ساخته شد که شامل ۴۰ سوال می باشد که شایستگی های اخلاقی را می سنجد و شامل ۱۰ مؤلفه می باشد. روایی و پایایی ابزار توسط مارتین و آستین (۲۰۱۰) تایید شده است. پایایی بدست آمده برای پرسشنامه برابر ۰/۸۹۷ محاسبه گردید و آلفای بدست آمده شامل موارد زیر است: مؤلفه رفتار مستمر در جهت اصول و ارزشها و باورها (سوالات ۱ و ۱۱ و ۲۱ و ۳۱) ۰/۸۴ و مؤلفه راستگویی (سوالات ۲ و ۱۲ و ۲۲ و ۳۲) ۰/۷۲ و مؤلفه ایستادگی برای حق (سوالات ۳ و ۱۳ و ۲۳ و ۳۳) ۰/۶۹ و مؤلفه وفای به عهد (سوالات ۴ و ۱۴ و ۲۴ و ۳۴) ۰/۶۵ و

یافته ها

آموزش مهارت حل مساله بر هوش اخلاقی تاثیر دارد.

جدول ۱. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری تأثیر آموزش بر میزان نمرات هوش اخلاقی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر (مجذور اتا)
اثر پیش آزمون	۵۵۵۶/۸۴۴	۱	۵۵۵۶/۸۴۴	۱۲۶/۲۳	۰/۰۰۱	
اثر پس آزمون	۱۸۲۴/۰۰۲	۱	۱۸۲۴/۰۰۲	۴۱/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۴۳
خطا	۲۳۳۲/۹۷۸	۵۳	۴۴/۰۱۸			
مجموع	۳۱۵۲۷۳	۵۶				

آموزش مهارت حل مساله بر ادراک خویشتن (تصور از خود) تاثیر دارد.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری تأثیر آموزش بر میزان نمرات تصور از خود

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر (مجذور اتا)
اثر پیش آزمون	۱۵۳۹/۳۷۶	۱	۱۵۳۹/۳۷۶	۲۶/۹۱	۰/۰۰۱	
اثر پس آزمون	۳۶۷۴/۵۸۵	۱	۳۶۷۴/۵۸۵	۶۴/۲۳	۰/۰۰۱	۰/۵۴
خطا	۳۰۳۱/۷۶۶	۵۳	۵۷/۲۰۳			
مجموع	۲۳۳۴۶۴	۵۶				

آموزش مهارت حل مساله بر توانایی ذهنی تاثیر دارد.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری تأثیر متغیر مستقل بر میزان نمرات توانایی ذهنی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر (مجذور اتا)
اثر پیش آزمون	۱۲/۲۶۳	۱	۱۲/۲۶۳	۴/۶۰	۰/۰۳۷	
اثر پس آزمون	۲۰۹/۷۹۷	۱	۲۰۹/۷۹۷	۷۸/۷۰	۰/۰۰۱	۰/۵۹
خطا	۱۴۱/۲۷۲	۵۳	۲/۶۶			
مجموع	۹۱۳۳	۵۶				

آموزش مهارت حل مساله بر کارآمدی شغلی تاثیر دارد.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری تأثیر متغیر مستقل بر میزان نمرات کارآمدی شغلی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر (مجذور اتا)
اثر پیش آزمون	۲۴/۴۱۶	۱	۲۴/۴۱۶	۸/۷۴	۰/۰۰۵	
اثر پس آزمون	۲۵۴/۵۲۳	۱	۲۵۴/۵۲۳	۹۱/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۶۳
خطا	۱۴۸/۰۱۳	۵۳	۲/۷۹			
مجموع	۷۶۱۶	۵۶				

آموزش مهارت حل مساله بر جذابیت جسمانی تاثیر دارد.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری تأثیر متغیر مستقل بر میزان نمرات جذابیت جسمانی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر (مجذور تا)
اثر پیش آزمون	۱۴/۹۳۹	۱	۱۴/۹۳۹	۲۹/۷۲	۰/۰۰۱	
اثر پس آزمون	۶۶/۵۶۹	۱	۶۶/۵۶۹	۱۳۲/۴۷	۰/۰۰۱	۰/۷۱
خطا	۲۶/۶۳۳	۵۳	۰/۵۰۳			
مجموع	۷۰۲۸	۵۶				

آموزش مهارت حل مساله بر مهارتهای اجتماعی تاثیر دارد.

جدول ۶. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری تأثیر متغیر مستقل بر میزان نمرات مهارتهای اجتماعی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر (مجذور تا)
اثر پیش آزمون	۳۰/۰۸۸	۱	۳۰/۰۸۸	۵/۹۷	۰/۰۱۸	
اثر پس آزمون	۴۸/۹۴۸	۱	۴۸/۹۴۸	۹/۷۲	۰/۰۰۳	۰/۱۶
خطا	۲۶۶/۷۳۴	۵۳	۵/۰۳۳			
مجموع	۱۱۶۷۳	۵۶				

آموزش مهارت حل مساله بر عیب ها و حسن ها تاثیر دارد.

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری تأثیر متغیر مستقل بر میزان نمرات عیبهها و حسن ها

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر (مجذور تا)
اثر پیش آزمون	۳۸۴/۸۴۴	۱	۳۸۴/۸۴۴	۲۶/۹۱	۰/۰۰۱	
اثر پس آزمون	۲۴۱/۵۱۹	۱	۲۴۱/۵۱۹	۱۶/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۲۴
خطا	۷۵۷/۹۴۲	۵۳	۱۴/۳۰۱			
مجموع	۱۲۷۰۴	۵۶				

حاصل شده در نمرات پس آزمون گروه آزمایش ناشی از اجرای آموزش بوده است.

با توجه به این نتیجه فرضیه فرعی اول تحقیق که بیان می کند " آموزش مهارت حل مساله بر هوش اخلاقی تاثیر دارد " تایید می گردد.

آموزش مهارت حل مساله بر ادراک خویشتن(تصور از خود) تاثیر دارد.

براساس اطلاعات جدول ۲، نتایج تفاوت معناداری را بین دو گروه آزمایش و کنترل در تصور از خود ($F = ۶۴/۲۳$) و ($P < ۰/۰۱$) نشان می دهد. با توجه به مقادیر میانگین

همان گونه که در جدول ۱، مشاهده می شود نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری تفاوت معناداری را بین دو گروه آزمایش و کنترل در هوش اخلاقی نشان می دهد ($F = ۴۱/۴۳$) و ($P < ۰/۰۱$)

با توجه به مقادیر میانگین این متغیر برای گروه آزمایش در پیش آزمون (۶۷/۷۵) و پس آزمون (۸۰/۲۹)، مشاهده می شود که اجرای رویکرد آموزشی باعث افزایش میانگین نمرات آزمودنی ها در پس آزمون گردیده است. میزان تاثیر آموزش نیز ۴۳٪ بوده است. بدین معنا که ۴۳٪ از تغییرات

گردیده است. میزان تاثیر نیز ۰/۷۱ بوده است. بنابراین نتایج پژوهش مبنی بر اینکه " آموزش مهارت حل مساله بر جذابیت جسمانی تاثیر دارد. " تایید می گردد.

براساس اطلاعات مندرج در جدول ۶ مشاهده می شود نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری تفاوت معناداری را بین دو گروه آزمایش و کنترل در مولفه مهارتهای اجتماعی نشان می دهد ($F = 9/72$ و $P < 0/01$). با توجه به مقادیر میانگین این مؤلفه برای گروه آزمایش در پیش آزمون (۹/۷۵) و پس آزمون (۱۲/۲۹)، مشاهده می شود که اجرای آموزش مهارت حل مساله باعث افزایش میانگین نمرات آزمودنی ها در پس آزمون گردیده است. میزان تاثیر درمان نیز ۰/۱۶ بوده است. با توجه به این نتیجه تحقیق که بیان می کند " آموزش مهارت حل مساله بر مهارتهای اجتماعی تاثیر دارد. " تایید می گردد.

همانگونه که در جدول ۷ مشاهده می شود نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری تفاوت معناداری را بین دو گروه آزمایش و کنترل در مولفه عیب ها و حسن ها نشان می دهد ($F = 16/88$ و $P < 0/01$). با توجه به مقادیر میانگین این مؤلفه برای گروه آزمایش در پیش آزمون (۱۲/۷۹) و پس آزمون (۱۶/۶۸)، مشاهده می شود که اجرای آموزش باعث افزایش میانگین نمرات آزمودنی ها در پس آزمون گردیده است. میزان تاثیر درمان نیز ۰/۲۴ بوده است. با توجه به این نتیجه تحقیق که بیان می کند " آموزش مهارت حل مساله بر عیب ها و حسن ها تاثیر دارد. " تایید می گردد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی آموزش مهارت حل مساله بر هوش اخلاقی و ادراک خویشتن انجام شد. آن گونه که از یافته ها بر می آید، نتایج حاصل از اثر بخشی " آموزش مهارت حل مساله بر هوش اخلاقی و ادراک خویشتن " نشان داد دو گروه مورد مطالعه تفاوت معنادار داشته اند و از نظر آماری معنادار بود و می توان چنین استنباط کرد که آموزش مهارت حل مساله، ادراک

این متغیر برای گروه آزمایش در پیش آزمون (۵۶/۵۷) و پس آزمون (۷۲/۳۶)، مشاهده می شود که اجرای آموزش باعث افزایش میانگین نمرات آزمودنی ها در پس آزمون گردیده است. میزان تاثیر نیز ۰/۵۴ بوده است. با توجه به این نتیجه که بیان می کند " آموزش مهارت حل مساله بر ادراک خویشتن تاثیر دارد " تایید می گردد.

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می شود نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری تفاوت معناداری را بین دو گروه آزمایش و کنترل در توانایی ذهنی نشان می دهد (۷۸/۷۰ و $F = 0/01$ و $P < 0/01$). با توجه به مقادیر میانگین این مؤلفه برای گروه آزمایش در پیش آزمون (۱۱/۴۶) و پس آزمون (۱۴/۴۳)، مشاهده می شود که اجرای آموزش مهارت حل مسئله باعث افزایش میانگین نمرات آزمودنی ها در پس آزمون گردیده است. میزان تاثیر آموزش نیز ۰/۵۹ بوده است. با توجه به این نتیجه که بیان می کند " آموزش مهارت حل مساله بر توانایی ذهنی تاثیر دارد. " تایید می گردد.

اطلاعات جدول ۴ نشان می دهد تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و کنترل در کارآمدی شغلی وجود دارد ($F = 91/13$ و $P < 0/01$). با توجه به افزایش میانگین نمرات مولفه کارآمدی شغلی در پس آزمون (۱۳/۵۰) نسبت به پیش آزمون (۱۱) می توان گفت که اجرای آموزش مهارت حل مساله بر افزایش کارآمدی شغلی موثر بوده است و میزان این تاثیر نیز ۶۳ درصد می باشد. بنا براین نتیجه تحقیق که بیان می کند " آموزش مهارت حل مساله بر کارآمدی شغلی تاثیر دارد. " تایید می گردد.

همانگونه که در جدول ۵ مشاهده می شود نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری تفاوت معناداری را بین دو گروه آزمایش و کنترل در مولفه جذابیت جسمانی نشان می دهد ($F = 132/47$ و $P < 0/05$). با توجه به مقادیر میانگین این مؤلفه برای گروه آزمایش در پیش آزمون (۱۱/۵۷) و پس آزمون (۱۵/۴۶)، مشاهده می شود که اجرای آموزش باعث افزایش میانگین نمرات آزمودنی ها در پس آزمون

این پژوهش می تواند راهنمایی برای معلمان و مسئولین مربوطه باشد تا با آموزش مهارت حل مساله به کودکان و نوجوانان کمک کنند که در برابر مشکلات بهترین راه حل را اتخاذ کنند که منجر به خودپنداره مثبت و اعتماد به نفس بیشتری شوند و از طرفی این نتایج برای خانواده ها از اهمیت شایانی برخوردار است زیرا آنان با شناخت شیوه های تربیتی و اثر آن بر زندگی کودک و نوجوان خود بسیار ارزشمندتر می توانند آینده کودک خود را تامین نمایند.

منابع

- زراعت، زهرا؛ غفوریان، علیرضا. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش مهارت حل مساله بر خودپنداره تحصیلی دانشجویان. مجله راهبردهای آموزش دوره ۲. شماره ۱. صفحات ۲۶-۲۳.
- سیف، س. (۱۳۹۲). روان شناسی رشد. تهران: انتشارات سمت.
- شکوهی یکتا، محسن؛ زمانی، نیره؛ پورکریمی، جواد (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت حل مساله بین فردی بر افزایش مهارتهای اجتماعی و کاهش مشکلات رفتاری دانش آموزان دیرآموز پایه اول دبستان. مطالعات روان شناختی. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهرا. دوره ۱۰. شماره ۴.
- ماسن، پاول. اچ، گیگان، جروم، هوستون، آلتا، کی، وویکانجر، جان. جی. (۱۹۹۸). رشد و شخصیت کودک. ترجمه یاسایی (۱۳۹۱). تهران: نشر مرکز.
- مهمویی، حسین؛ زنگویی، اسدالله؛ دهقانی، محمد رضا (۱۳۹۳). تاثیر آموزش راهبردهای حل مساله جورج پولیا بر خودپنداره و پیشرفت تحصیلی ریاضی دانش آموزان پسر پایه ۵ ابتدایی. پژوهش در برنامه ریزی درسی. سال ۱۱- دوره ۲. شماره ۱۶. صفحات ۵۷-۴۶.
- Cote, D., Pierce, T., Higgins, K., Miller, S., Tandy, R., & Sparks, S. (2010). Increasing Skill Performances of Problem Solving in Students with Intellectual Disabilities. Education and Training in Autism and Developmental Disabilities, 30, 372-380.
- Erozkhan, A. (2013). The effect of communication skills and interpersonal

خویشتن دانش آموزان را تغییر داده است. از نتایج همسو با این پژوهش می توان به پژوهش مهمویی و همکاران (۱۳۹۳) و زراعت و غفوریان (۱۳۸۸) و ون و لین (۲۰۱۰) اشاره کرد که معتقد بودند آموزش مهارت حل مساله بر هوش اخلاقی و ادراک خویشتن و خودپنداره تاثیر دارد. یکی از نکات قابل توجه در زمینه آموزش مهارت حل مساله آن است که آموزش حل مساله نه تنها به صورت مستقیم بلکه به واسطه آموزش والدین و معلمان به کودکان انتقال داده می شود. آموزش این مهارت از سوی والدین بدون آنکه به حرمت خود کودکان خدشه ای وارد سازد، به آنان کمک می کند به مسایل خود بیندیشند و راه حل های مختلف برای آن بیابند و با انتخاب بهترین راه حل، به حل مسائل خود مبادرت ورزند. افزون بر آن کودکان یاد می گیرند با مسایل و مشکلات خود به گونه ای برخورد کنند که دچار اضطراب نشوند و به شکست های احتمالی واکنش مناسب نشان دهند (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۹۳). بعبارت دیگر آموزش مهارت حل مساله یک راهبرد مقابله ای مهمی است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی و اخلاقی و ادراک خویشتن یا خودپنداره را افزایش و تنبذگی روانی را کاهش می دهد. مهارت حل مساله ارائه منظم آموزش مهارتهای شناختی و رفتاری است که به فرد کمک می کند تا موثرترین راه حل را شناسایی و به طریقی موثر با مشکلات برخورد کند (کوت و همکاران ۱، ۲۰۱۰).

در واقع آموزش مهارت حل مساله برای کودکان و نوجوانان همواره به عنوان یکی از اهداف عالی می باشد، چرا که رشد و تحول آنها در سایه آموزش این مهارتها حاصل می شود و افزایش مهارت حل مساله باعث می شود که نوجوانان بتوانند از حداکثر ظرفیت های ذهنی و توانمندیهای بالقوه خود بهره مند شوند (سیف، ۱۳۹۲). لذا با توجه به پیچیدگی جوامع امروزی و بروز ناهنجاری های روانی و اخلاقی در بین نوجوانان لزوم پرداختن به آموزش مهارتهای حل مساله بیش از پیش احساس می شود و نتایج

problem solving skills on social self-efficacy. Educational Sciences: Theory & Practice, 13(2), 739-745.

- Fowler, N., Hansen, A., Barnato, A., & Garand, L. (2013). Association between anticipatory grief and problem solving among family caregivers of persons with cognitive impairment. Journal of Aging and Health, 25 (3), 493-509.

- Glago, K. D., Mastropieri, M. A., & Scruggs, T. E. (2009). Improving problem solving of elementary students with mild disabilities. Remedial and Special Education, 30, 372-380.

- Pugliese, C., & White, S. W. (2013). Brief report: Problem solving therapy in college students with autism spectrum disorders: Feasibility and preliminary efficacy. Journal of Autism and Developmental Disorders, 12 (3), 34-47.

- Schuman, S., Graef, D., Janicke, D., Gray, W., & Hommel, K. (2013). An exploration of family problem-solving and affective involvement as moderators between disease severity and depressive symptoms in adolescents with inflammatory bowel disease_ Journal of Clinical Psychology in Medical Settings, 20 (4), 488-496.

- Shure, M. B. (2000). I Can Problem Solve (ICPS): An Interpersonal Cognitive Problem Solving Program for Children. Affiliated with MCP: Hahnemann University.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 8, No. 1, spring 2017, No 29



Journal of Educational
Psychology

Effectiveness of training problem solving skills on moral intelligence and self- perception

Sariyeh azizi^{1*}, Parinaz Bemisi², Hamid Reza Vatankhah³

- 1) Master student of general psychology, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
- 2) Assistant Professor of Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran.
- 3) Assistant Professor of Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran.

*Corresponding: elahearyan1351@yahoo.com

Abstract

The aim of present research is to study the effectiveness of training problem solving skills on moral intelligence and self-perception. In this quasi-experimental research with pre-test, post-test design and control group, the statistical population of research includes 1600 female second-year high school students (14-16 years) in Kahrizak studying in academic year 2015-16. The method utilized is simple random sampling with sample group consisting of 56 female second-year high school students in Kahrizak and sample volume according to research specifications includes 60 students from which 28 students are in experimental and 28 students are in control group. In order to gather information and attain the intended results, intervention-education program of problem solving skills of Shure (2000) and moral intelligence questionnaire of Lennick& Kiel (2005) and self-image perception of Back (1978) were utilized and results were analyzed statistically. Findings were analyzed by univariate covariance analysis according to which there are research hypotheses based on positive relation between training problem solving skills ,moral intelligence and self-perception. Generally, we may conclude that training problem solving skills influence moral intelligence and self-perception. Results showed that training problem solving skills influences moral intelligence and self-perception and have improved them.

Key words: training problem solving skil, moral intelligence s, self-perception.
